

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز سخن با
دعایی از پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله

(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)

.....

(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)

.....

(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزِلَّ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)

(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)



(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم، یا به جهل کشیده شوم)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ
وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا
مَا بَقِيْتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ
وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

جلسه‌ی چهارم
سیری در دعوت
انبیاء الهی

آنچه گذشت

لازمه‌ی بهره‌مند شدن از کتاب خدا،

و **فرقه فرقه نشدن**

دست برداشتن از **(بغی)**،

و چنگ زدن به ریسمان **ایمان** است:



(بغی)، محصول

(شدت توجه به من و خواسته‌ی من)؛

یا به تعبیر دیگر، همان

(خودپرستی و انانیت)، است.

نقطه‌ی مقابلِ (خودپرستی و انانیت)،
(حق پرستی و توجه به حق تعالی)،
یا همان (ایمان به الله)، است.

.....

و به همین دلیل است که:
(ایمان)، و (بغی)، با یکدیگر منافات دارند؛
و اینکه (مومن)، (باغی)، نیست.

(شیطان)،

مظهر (انانیت)، است و نمادِ

(قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ) (من از او بهترم)

.....

(آدم) مظهر (عبودیت)، است

و سخنش (رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا) است.

جانمایه‌ی (آدم)، (اعتراف به ظلم)،
و جانمایه‌ی (شیطان)، (انانیت)، است؛

.....

راه (سعادت و کمال)
و نجات از (شیطان درون)،

(دست کشیدن از انانیت)،
و (اعتراف به ظلم)، است؛

محصول (دست کشیدن از انانیت)،

و (اعتراف به ظلم)،

آمدن (هدایتی)، به نام (شریعت)، است؛

در مسیر (تبعیت)، (حق تعالی)،

اداره‌ی امور انسان را به عهده می‌گیرد.

ادامه‌ی سخن

یک پیام مشترک در دعوت
تمامی انبیاء الهی

وقتی به سخنانی که قرآن کریم از انبیاء الهی در
خطاب با قومشان نقل می‌کند توجه می‌کنیم،
به یک (جمله‌ی مشترک)، برخورد می‌کنیم که:
معمولا اولین جمله‌ی دستور العمل این بزرگواران
بوده است:

.....

(اعْبُدُوا اللَّهَ)،

(قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ)

(سوره ی مائده: آیه ۷۲)

.....

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ)

(سوره ی اعراف: آیه ۵۹)

.....

(وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ)

(سوره ی اعراف: آیه ۶۵)

(وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ)

(سورهی اعراف: آیه ۷۲)

.....

(وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ)

(سورهی اعراف: آیه ۸۵)

.....

(وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ)

(سورهی عنکبوت: آیه ۱۶)

و در یک بیان جامع، از محتوای دعوت رسولان،
در اولین جمله، بعثت تمامی انبیاء را
(اعْبُدُوا اللَّهَ)، بیان می‌کند:



(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا
الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ
الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُكَذِّبِينَ)

(سوره‌ی نحل: آیه ۳۶)

شرح پیام
(اغْبِدُوا اللَّهَ)

جمله‌ی (اعْبُدُوا اللَّهَ)

از دو بخش تشکیل شده است:

(اعْبُدُوا) و (اللَّهُ)

برای دریافت اهمیت دستورالعمل (اعْبُدُوا)
ابتدا باید به شرح کلمه‌ی (اللَّهُ) بپردازیم.

شرح کلمہ ہی (اللہ)

یکی از پر کاربردترین کلمات قرآنی،
لفظ جلالتی (الله) است؛

.....

اگر قرآن کریم را کتاب (اسماء الهی) بدانیم،
تمامی این اسماء،
شرح حقیقتی به نام (الله) می‌باشند.

.....

پس می‌توان گفت:
قرآن کریم: شرح کلمه‌ی (الله) است.

یکی از منابع جامع معرفی

(الله تعالی)،

آیات پایانی (سوره ی حشر)

است.

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ هُوَ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ.

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ
الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا
يُشْرِكُونَ.

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ
لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

نکته‌ی مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد،

این است که: (ال) در کلماتِ

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ

السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ

الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ

(الف و لام ماهیت) است؛

معنای این سخن این است که:

(الله تعالی) هویت تمامی این صفات است.

بین (صاحب یک صفت بودن)
و (هویت یک صفت بودن)
(تفاوت عظیمی) وجود دارد؛

.....

(صاحب یک صفت) مانند کسی است که:
صاحب یک تابلوی نقاشی ارزشمند است.

.....

اما (هویت یک صفت)
مانند کسی است که خود نقاش آن تابلوی ارزشمند است.

(اللَّهُ تَعَالَى)

(صاحب صفات نیست)

(هویت تمامی این صفات است).

.....

ای دوست شکر بهتر یا آنک شکر سازد
خوبی قمر بهتر یا آنک قمر سازد
ای باغ تویی خوشتر یا گلشن گل در تو
یا آنک برآرد گل صد نرگس تر سازد
ای عقل تو به باشی در دانش و در بینش
یا آنک به هر لحظه صد عقل و نظر سازد

آیا شما به دنبال آب هستید؟
یا به دنبال آنکه (آب را آب می‌کند)؟
آیا شما به دنبال آسمان هستید؟
یا به دنبال آنکه (آسمان را آسمان می‌کند)؟
آیا شما به دنبال عزت هستید؟
یا به دنبال آنکه (هر عزیزی را عزت می‌بخشد)؟
آیا شما به دنبال سلطنت هستید؟
یا به دنبال آنکه (هر سلطانی را سلطنت می‌بخشد)؟

(او ملک نیست اَلْمَلِك است)؛

یعنی او پادشاه نیست؛

حقیقت مُلک و پادشاهی از آن اوست؛

قرآن کریم می‌فرماید:

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ
الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ
الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

آل عمران (۳): ۲۶

او مَلِک (پادشاه) نیست؛

بلکه مالک مُلک است؛

یعنی پادشاهی دهنده؛

یا به بیانی دیگر مصدر پادشاهی است.

مشیت او پادشاهی و عزت و ذلت را رقم می‌زند.

او کیفیت پادشاهی و عزت و هر وصف دیگری

است.

شرح پیام
(اغْبُدُوا)

بعد از شرح کلمه‌ی (اللَّهِ)
به توضیحی پیرامون (اعْبُدُوا) می‌پردازیم:

.....

(اعْبُدُوا) از ریشه‌ی (عبد) است.

.....

(التحقیق)

درباره‌ی ریشه‌ی (عبد) می‌گوید:

أنَّ الأصل الواحد في المادَّة (عبد):
هو غاية التذلل في قبال مولى مع الاطاعة.

اصل واحد در معنای (عبد):
نهایت ذلت در قبال مولی به همراه اطاعت است.

خداوند تعالی هدف خلقت جن و انس را
هم (عبودیت)، بیان می کند:



(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)

(سوره ی ذاریات: آیه ۵۶)

شرح معنای (عبودیت) از بیان امام صادق علیه السلام

(عنوان بصری) پیرمردی کهنسال است که بیشتر
عمر خود را صرف تحصیل علم کرده است.
اما علوم مرسوم او را راضی نگرده و به دنبال
حقیقتی است که جان او را سیراب کند.
پس از طی مقدماتی به خدمت امام صادق علیه
السلام رسیده است.

و امام علیه السلام که می‌داند او به دنبال حقیقتی دیگر
است، او را خطاب قرار می‌دهند:



(فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ)

ای اباعبداللّه!

(کنیه‌ی عنوان بصری أَبَا عَبْدِ اللَّهِ است)

علم (آن علم حقیقی که تو می‌خواهی)،

از طریق یادگیری (مرسوم و متداول) نیست.

(إِنَّمَا هُوَ نُورٌ)

(يَقَعُ فِي قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ)



آن علم (حقیقی)، (نوری است) که:

در قلب کسی قرار می‌گیرد که:

(الله تعالی)،

(بخواهد او را هدایت کند).

(عبودیت)

راه دسترسی به

(علم نورانی)

(فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ)
(فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ)

.....

اگر به دنبال علم (حقیقی)، هستی،

در قدم اول:

در (جان خودت) به دنبال (حقیقت عبودیت) باش.

(وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ)

در (قدم دوم):

(علم) را با (به کار بستن آن) طلب کن.

.....
(وَاسْتَفْهِمِ اللَّهَ يَفْهَمُكَ)

در (قدم سوم):

از (الله تعالی) طلب فهم کن، به تو می فهماند.

شرح مراحل سه گانه

شرح معنای عبودیت

عنوان که متوجه اهمیت موضوع می‌شود،
از امام علیه السلام درباره‌ی (حقیقت عبودیت)
سوال می‌کند:

.....

(قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ)

یا اباعبدالله!

(حقیقت عبودیت) چیست؟

امام صادق علیه السلام

در تفسیر (حقیقت عبودیت)

سه صفت را بیان می‌فرمایند:



(قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

(حقیقت عبودیت) سه چیز است:

مرحله‌ی اول عبودیت

(أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ مِلْكَاً)



(خصوصیت اول عبودیت این است که):
(عبد) در آنچه (الله تعالی) به او داده است،
خود را (مالک) نبیند.

(لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ يَرَوْنَ الْمَالَ مَالًا
اللَّهُ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ)



زیرا (عبید/بندگان) مالک نیستند،
آنها مال را متعلق به (الله تعالی) می‌دانند،
در نتیجه آن را در هر جا که او به ایشان امر
کند قرار می‌دهند.

مرحله‌ی دوم عبودیت

(وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا)

.....

(خصوصیت دوم عبودیت این است که):
(عبد) برای خویشتن (تدبیر) نمی کند.

مرحله‌ی سوم عبودیت

(وَجُمْلَةُ اشْتِغَالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاهُ عَنْهُ)



(خصوصیت سوم عبودیت این است که):

تمام مشغولیت (عبد) پرداختن به:

(امر و نهی) (الله تعالی) است.

شرح این حدیث را به
جلسه‌ی آینده، موکول
می‌کنیم

پایان جلسه ی چهارم

سیری در دعوت

انبیاء الهی

ای که بر روی خدا روی تو دیدار آمده است
وجه لایبصر ز دیدارت پدیدار آمده است
اولیا را از خدا در هر سری سرّی جداست
و آنچه را در سر تو داری سرّ اسرار آمده است
خلق را سودای عشقت خوانده در بازار عشق
عالم از سودای عشقت عشق بازار آمده است
انبیا را دست عشقت داد چون مشق بلا
از پی فرمان مسیحا بر سر دار آمده است

ز اشتیاق عارضت در سینه سینای دل
موسی عمران ترانی گو به گفتار آمده است
معصیت این بود آدم را که در باغ بهشت
بی صلاحیت مقامت را طلب کار آمده است
پیش حُسنِت خواست تا یوسف زند لاف جمال
زین خطور کبر در زندان گرفتار آمده است
داشت چون ایوب پیغمبر به چشمانت نظر
سالها از عشق چشمان تو بیمار آمده است

تا زمین کربلا از خون پاکت شد عجین
بوی آن تربت قرین با مشک تاتار آمده است
خون پاکت بر زمین تا ریخت ای عرش خدا
آسمان را زین مصیبت چشم خونبار آمده است
کشته را هرگز ندیدم زنده ماند تا ابد
جز تو ای جانی که جسمت کشته یار آمده است
کس نداند کان جراحات‌ها براندامت چه کرد
این کسی داند که بر وی زخم بسیار آمده است
گر بظاهر کشته‌ای در باطن ما زنده‌ای
چشم اهل دل تو را روشن به دیدار آمده است
از وجود خویشتن بار گنه دارد «فؤاد»
پیش عفوت از گناه خود به زنهار آمده است

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ
وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا
مَا بَقِيْتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ
وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ